



محمد قربانی

سینمای ایران سال‌ها یکی از سرخ‌ترین سینماها در دنیا است. در این سال‌ها به کج سلیقه‌ی‌ها و مانع‌تراشی‌های به صورت سینمای ایران نیز اضافه شده است. زند زامی وار عده‌ای به صورت سینمای ایران نیر اضافه شده‌ است. همان‌ها که در تلاشند تا سینمای ایران را بی اعتبار جلوه دهند و با مانع تراشیدن برای نسل نویی که می‌توانند تاریخ سینمای ایران را ورق بزنند، پیروی و بی‌فکسی خود برای دیدن و رقابت با جوانان سینمای ایران را تکتمان کنند. آنها که خود در کمای حرفه‌ای فرو

رفته‌اند، بی‌توجه به ذوق و توان بالای جوانان و با سوءاستفاده از فضای فلتیب سیاسی و اجتماعی این سال‌ها، سینمای ایران را در کما تصور کرده و تاریخ مصرف گذشته بودن خود را به سینمای ایران فراتکنی می‌کنند. در این وضعیت منتقد و هنرمند سینما لازم است پیش از همیشه احساس مسئولیت کند و نزدبانی را که فصل‌های سینمای ایران می‌خواهند -پس از بالا رفتن از آن- از زیر پای جوانان بکشند. حفظ کنند. منتقد و هنرمند آرزمانی کسی است که تعزیم و حضورش در سینما فروشی نباشد و نگذارند چراغ فکر فروغ سینمای ایران با سرفه‌های دم آفتری برخی سیاسی‌کارها و راه‌پای خاموش شود. سلاح مبارزه هم همچنان نقد است. نقد تیزی که به ثوابه

در روز ملی سینما، گفته‌ایم سینمای ایران چطور از دست تحریمی‌ها و جریان تجرجان سالم به در برد

آهای زامبی‌ها، سینما زنده است

تیغ جرح عمل کند و در عین برندگی، شفابخش باشد. متقدم که با همه بخران‌های موجود، می‌توان به آینده سینمای ایران امیدوار بود. سینمای ایران به مامه فرازونشیب‌ها، موانع و مصائبش همچنان به حیات خود ادامه می‌دهد. نبض سینمای ایران هنوز می‌زند. و حتی اگر به قول گدار روزی سینما بمیرد، این اتفاق می‌تواند در ایران مینتر رخ دهد؛ چراکه سینمای ایران با وجود کهنسالی‌اش هنوز دستاورد آنچنانی نداشته است و راه‌های تازه و روزهای ندیده‌های سیاری دارد.

بگذریم. در پروردهٔ ویژهٔ امروز به مناسبت روز ملی سینما، نظر نویسندگان سینمایی «فرهیختگان» را دربارهٔ فیلم‌های محبوب‌شان جویا شده‌ ایم. نویسندهٔ **هایی که ترقیبی** از نویسندگان قدیمی



بیشتر و در نسل قدیمی کمتر به چشم می‌آید و حتی باعث می‌شود تا در حوزه پرده‌های سینمایی هم از فرط نادیده گرفتن‌ها، بخش قابل توجهی از تاریخ سینمای ایران فراموش شود. جزاینجا، فیلم‌هایی نظیر نقطه ضعف (محمدرضا اعلمی) یا جاده مرگ (پرفروش‌ترین فیلم سینمای ایران در سال ۱۳۴۳) جای ناپدید گرفته نمی‌شوند. این اتفاق ناخوشایند است، زیرا به مخاطبان نلد این نیاپیدرامی‌رساند که منتقد جانش آثار کشور، خود را جاذبی نمی‌گیرد و فقط برای خالی نبودن عریضه و انجام تکلیف ثابت پنج دهه پایدست مورد علاقه خود را پشت هم فشار می‌کند. این عارضه‌ای است که در نسل جدید منتقدان

در آن کرچه تنگ و گلن بندر بوشهر و رازمحمد خشکینگ با غیای قهوه‌ای و

قدم‌های محکمش می‌گذرد. همان‌حس دینک قاتل که هم از او می‌ترسیم

و هم دوستش داریم. او شمایلم قهومانای راداره که از دل تحقیرها سربرآورده و

یک شبیه از مطولم متغعل به یک داد خورده تمام عیاربلن می‌شود.

تنگسیر می‌توانست قشوع خوبی باشد. برپای پیدا کردن بهترین‌های ما از

سینمای ایران، ما از سینمای کشور که مردمش همیشه در حال مبارزه بودند

چنه می‌خواهیم غیر از ساختن «دیگی»؟ نگاه به این مفهوم اسام‌تام با جزا

نسبت تصویرهای فراوانی از نزع با سر در سترسار سینماست. اما آن‌نراعی

فوم می‌سازد که در جای درست قرار گرفته تا شخصیت زادر موقعیت تصمیم

و خوارده‌شان دفاع کنند. مردانی که بارها و بارها در حضور مئل علی خوش دست

در سربزینی که دیگر نیاز چندانی به مردان واقعی ندارد. چقدر سخت است.

حالا که نکرش را می‌کنم حتی ااجاره‌نشین‌ها را هم به واسطه مردایش دوست

دارم. زندی و بیشت هم انداز می‌عبارت آداب و کلان آثای توسللی و ولایت

آق قندی در قالب مرد ایرانی است که برلیم شیرین است. مردانی که اکثرشان

(درخالف تلیغات منطقی‌ای که علیه آنها می‌شود). همچنان شریف و نجیب

باقی مانده‌اند. قدر و قیمت و معنی عشق را می‌دانند (مثل استاد شهاب‌های

روشن و روشن و یازده و بیست و یکم). هم‌زمان با این نوع ضعف‌ها و یادداشتی

دیگری می‌طلبد. ترجیح می‌دهم در بیان‌دانش مظهر خلاصه توضیح ده‌م هر کرام

از این فیلم‌ها چگونه موهبی از جهان شخصی ااجتماعی ما را پنداری می‌کنند.

درآریالی «دراره قضاوت حرف می‌زد و کیست که نداند در دهان دوازده ۱۳۸۸ همزمان با

در باب انتخاب بهترین‌ها

الهام کوهی

هرنیکاو

هنر هر کشور نماینده فرهنگ، آداب و رسوم، سبک زندگی و خصوصیات

اخلاقی مردمان آن کشور است و با مطالعه هنر هر سرزمینی می‌توان به مزای

گذر شده پی برد. اولویت بر این بوده که حداقل یک فیلم‌ها انتخاب شده علاوه بر رعایت

مرا هزار امید است و هر هزار تویی

پهمن زاغ کهن

هرنیکاو

مرفه‌های فرهنگی هر کشوری به مجموعه عواملی گفته می‌شود که از هويت، ارزش‌ها، باورها، آداب و رسوم، زبان، هنر، ادبیات، موسیقی و سایر جنبه‌های زندگی اجتماعی‌ای که ملت سرچشمه می‌گیرد. این مرفه‌ها مانند قطعات یک

سابقه نویسندگان تجربیبه است. در ادامه جدولتهیایی ۱۰ فیلم برتر تاریخ سینما از نگاه نویسندگان «فرهیختگان» و همچنین لیست و یادداشت هر یک از نویسندگان را به مناسبت روز ملی

۱۰ فیلم منتخب من از آثار تاریخ سینمای ایران-۱: باشو، غریبه کوچک

۲- شب‌های روشن -۳ گوزن‌ها **۴- ناخدا خورشید** -۵ سرخ پوست

۶- مهاجر -۷ کتدو **۸- سفر به جزایر** -۹ **بچه‌های آسمان** -۱۰ طرفی

مورد عجیب سینمای ایران

محمدجواد ابراهیمی

هرنیکاو

سینمای ایران با همه کهنسالی‌اش هنوز یک نوزاد است که تاتنی تاتی می‌کند؛ چیزی شبیه کاراکتر فیلم مورد عجیب بنجامین باتن که روندی معکوس در زندگی‌اش دارد. هنوز دستاورد فنی قابل توجهی در سینمای ایران در آثارهای

زنده‌یاد سینمای ورجاوند ما!

مهراڻ زرعیان

هرنیکاو

که معمولا در هر کشوری، فیلم‌هایی در تاریخ سینمای آن کشور ماندگارتر است که رنگ و بویی از فرهنگ و غدغدغه‌های مردم آن کشور داشته باشد، بنابراین سینمای ایران ما نیز بیش از آنه از رنگ و بوی تیره‌تیر و به‌طور کلی اشکانات پررسمه ساخت، بلکه از زمینه و دروغ ایرانی ها حکیم پر قصه‌ها و آدم‌ها می‌گیرد و فیلمسازانی در تاریخ سینمای ایران بیشتر ماندگار شدند

که به این روح ایرانی وفادار تر بودند. مراد از روح ایرانی الزاما روایت بیرونی‌ها و زیاده‌چیزی‌ها نیستند، بلکه در بیان‌های ساده و شگفتناگیز است. همین‌که از دل یک حکایتی بیرون آید و به داستان‌های گویا تبدیل می‌شود و در نهایت با حاشیای آن می‌توان به آینده سینما در ایران امیدوار بود؟ پاسخ این پرسش در ترمیم و شکل‌دهی تیزهیر و تیزهیر ما نهفته است.

علی امیرسیاهی

هرنیکاو

هنرگانی که سخن از سینمای ایران به میان می‌آید، ناخواسته ذهن‌ها به نامه‌های مشهور رجوع پیدا می‌کند. افرادی که قطی چندین دهه عمر خود را صرف خلق آثار هنری سعی در رشد دادن آنها و سینمای ایران کرده‌اند، و متعجبانه

به سینمای ایران نهنظر است. اما در این شرایط، علی‌رغم انتقادها، راکاوی‌ها گلستان، سهراب شهید ثالث، ابرح قادری، مسعود کیمیایی، داویدش

اسمه‌محمد ناپدید است

اسمه‌محمد ناپدید

هرنیکاو

سینمای کودک و نوجوان آن چینه ناخواسته‌ای است که در جریان پرده‌های سینمای ایران نتنها کسی ن‌ار رگیدن نمی‌گذرد، بلکه حتی از راه دانشی به مهم‌ترین جشنواره سینمای ایران، جشن آثار قدردانه‌ده مثل جاده مرگ، گنجینه گوهر

مهرتین جریان‌های فیلمسازی باشند تا این اندازه مهمور است. درخت کاشی ۳- جاده مرگ ۴- نقشه ضعف ۵- هفت پرده ۶- گنجینه گوهر ۸- مهر گیاه ۹- کلاس هنرپیشگی ۱۰- آرایش غلیظ

عبار سینما

ابراهیم محتوی

هرنیکاو

چیزی که از پیش یک فیلم و به طول کلی هر یک اثر هنری را زمین می‌کند، زمان است. دلم عزیز، برنگان سابقه زمان تا امروز من هستند.

فریاد غریبه کوچک

۱- باشو، غریبه کوچک

۲- گوزن‌ها

۳- بچه‌های آسمان

۴- مهاجر

۵- دی‌دی‌مان

کنیک‌های سینمایی و اصول فیلمنامه، نماینده هنر و فرهنگ و مردم ما باشد. مردم ما بیش از هر چیزی فداکار، مهربان، خونگرم، ششادی‌آفرین، زنج‌کشیده، فیلسوف و هنردوست هستند و هر کدام از این فیلم‌ها به زیبایی این سوزان را در خود جای داده‌اند. همچنین اولویت دوم در معرفی این لیست بر این بوده که حداقل یک فیلم از کارگردان صاحب‌سبک و

تکنیک‌های سینمایی و اصول فیلمنامه، نماینده هنر و فرهنگ و مردم ما باشد. مردم ما بیش از هر چیزی فداکار، مهربان، خونگرم، ششادی‌آفرین، زنج‌کشیده، فیلسوف و هنردوست هستند و هر کدام از این فیلم‌ها به زیبایی این سوزان را در خود جای داده‌اند. همچنین اولویت دوم در معرفی این لیست بر این بوده که حداقل یک فیلم از کارگردان صاحب‌سبک و

فرهنگی اقداماتی مانند حمایت از زبان ملی، ترویج هنر و ادبیات ملی، حفظ آداب و رسوم و آموزش تاریخ و فرهنگ ملی ضروری است. مرفه‌های فرهنگی

به افراد احساس تعاق به یک‌گویی و جامعه می‌دهد. هويت ملی را تقويت می‌کنند. برای تبیین مرفه‌های فرهنگی به اپزری از قبیل زبان، ادبیات، تصویر و تلخ و دردناک هستند. اما همین تلخی‌هاست که ما را به فکر وامی‌دارد و به ما کمک می‌کند تا خویش و جامعه خود را بهتر بشناسیم و باید به یاد داشته باشیم، آیندهٔ زیاده و زیشت باک است این تعیین‌خانهٔ ویژه خاک است. هر چند قوت‌زن هاملین برخی از ستاره‌ها این آسنان را یا خود همواره کرده و

همه چیز به این بستگی دارد که متولیان سینما تا کی می‌خوانند اسیر ریزه‌خواری فیلم‌های نبحل و یزدان سالیانه با تعداد فیلم‌های نازل می‌شوند.

شده باشند و افق محدودشان را به سینما محدود کنید و تا کی می‌خواهند تلخ و دردناک هستند. اما همین تلخی‌هاست که ما را به فکر وامی‌دارد و به ما کمک می‌کند تا خویش و جامعه خود را بهتر بشناسیم و باید به یاد داشته باشیم، آیندهٔ زیاده و زیشت باک است این تعیین‌خانهٔ ویژه خاک است. هر چند قوت‌زن هاملین برخی از ستاره‌ها این آسنان را یا خود همواره کرده و

همه چیز به این بستگی دارد که متولیان سینما تا کی می‌خوانند اسیر ریزه‌خواری فیلم‌های نبحل و یزدان سالیانه با تعداد فیلم‌های نازل می‌شوند.

شده باشند و افق محدودشان را به سینما محدود کنید و تا کی می‌خواهند تلخ و دردناک هستند. اما همین تلخی‌هاست که ما را به فکر وامی‌دارد و به ما کمک می‌کند تا خویش و جامعه خود را بهتر بشناسیم و باید به یاد داشته باشیم، آیندهٔ زیاده و زیشت باک است این تعیین‌خانهٔ ویژه خاک است. هر چند قوت‌زن هاملین برخی از ستاره‌ها این آسنان را یا خود همواره کرده و

دارد و شرط لازم - و نه کافی - برای ماندگاری راجراژ کرده است. بر همین اساس بزرگ‌انیست که فیلم‌تلفیقی مثل بچه‌های آسمان به هنرمندترین نحو ممکن، بوی ایران را می‌دهد؛ چنان‌بوی نوازانه آثاری که علی از نانروی می‌خرد و به مناس ما می‌رسد. این حس روحان در آثار فیلمسازان راجرتخان و جهانی‌شده سینمای ایران یعنی عباس کیارستمی و اصغر فرهادی نیز قابل مشاهده است. دو فیلمسازي که اگر فیلم‌هایی به زبان غیرفارسی و با زمینه و عوامل فرهنگی غیرایرانی هم ساخته‌اند، اما مبتدیان شوهرت و ستایش آنها فیلم‌های ایرانی‌شان بود که از قضاوح زمانه راه خوبی بازتاب می‌داد و حاصل شناخت ممتاز دور فیلمسازان جامعه‌ای و مناسبات فرهنگی

سینما فرصتی برای تحلیلی از افرادی است که نام «سینمای ایران» به نوعی مدیون تلاش‌های آنهاست، و اما در لیستی که از محبوب‌ترین فیلم‌های سینمای ایران ارائه شده، علاوه بر عامل علاقه شخصی برای انتخاب فیلم‌ها در نظر گرفته شده‌ اما میزان به‌گیری از زبان سینما، درگوشش آنها از اهمیت بالائی برخوردار بوده است. زمانه‌ای که از سینما صحبت می‌کنیم،

انظار ارائه‌الگوی دانشین از سوری صاحب اثر را دریم که در آن، قواعد سینمای راهی بیان احساسات نغز و افکار ژرف باشند. هر یک از ارکان

است. شاید به همین دلیل باشد که در بین ۱۰ اثر انتخابی من از ۳ کودک و نوجوان به چشم می‌خورد؛ احتمالا بیشتر از باقی همکارانم در

سینمای کودک و نوجوان آن چینه ناخواسته‌ای است که در جریان پرده‌های سینمای ایران نتنها کسی ن‌ار رگیدن نمی‌گذرد، بلکه حتی از راه دانشی به مهم‌ترین جشنواره سینمای ایران، جشن آثار قدردانه‌ده مثل جاده مرگ، گنجینه گوهر همیشه هم حداقل برای من سوال بوده که چرا سینمایی که جایزه می‌فوزان ز تاریخ سینمای ایران به میان می‌آید، ناخواسته ذهن‌ها به نامه‌های مشهور رجوع پیدا می‌کند. افرادی که قطی چندین دهه عمر خود را صرف خلق آثار هنری سعی در رشد دادن آنها و سینمای ایران کرده‌اند، و متعجبانه به سینمای ایران نهنظر است. اما در این شرایط، علی‌رغم انتقادها، راکاوی‌ها گلستان، سهراب شهید ثالث، ابرح قادری، مسعود کیمیایی، داویدش

اسمه‌محمد ناپدید است

اسمه‌محمد ناپدید

اسمه‌محمد ناپدید

می‌کند.چین‌ماهرنگماندآرینی‌تلاشدهو همچنان زیستن دوست داریم.همین‌عالمه بنویسندبازاین‌چرندنتهاست.سینماهیچ‌هنرمندنیکیانگانه‌زیست‌خود هنرمندی‌سینمایی‌می‌سزوداسته‌اش‌بامکیدن‌انسان‌به‌جانش‌درینده‌یادبافت مغزمنفازات‌هوجریوسمیهمان‌مان‌باپیشانی‌باشه‌غریبه‌کوچک‌که‌فکرنمی‌کردبا کتی‌جاولیتی‌سرخ‌پوست‌باوجوه‌اسیدسپاربارشده‌منفازات‌فرهنگی‌دریاه و غایب‌درچیده‌تیزه‌ه‌به‌روغن‌بندگل‌مان‌مان‌هر‌ده‌ای‌زشتی‌قدش‌سقاوه‌ای‌نیروبخوش‌خویش‌هنر‌چرا‌هنرمندان‌ش‌میلی‌هایی‌چند-خون‌مردمی‌تواند‌شده‌است‌آزوی‌ایران‌می‌سینما‌است‌که‌در‌جهان‌شیشایی‌خلق‌هنر‌برای‌کی مصلحت‌های‌داخلی‌و‌منفعت‌های‌فراخی‌فانی‌درآینده‌یادبافت‌کند.فیلم‌های‌منتخب‌و‌شخصی‌لازم‌و‌خندل‌و‌ناخدا‌خورشید۳- باشو،غریبه‌کوچک۴- شیدا۵- مهمان‌مادام۶- شب‌های آسمان۷- درباروالی۱۰-کوب-سرخ‌پوست

است. شاید به همین دلیل باشد که در بین ۱۰ اثر انتخابی من از ۳ کودک و نوجوان به چشم می‌خورد؛ احتمالا بیشتر از باقی همکارانم در

سینمای کودک و نوجوان آن چینه ناخواسته‌ای است که در جریان پرده‌های سینمای ایران نتنها کسی ن‌ار رگیدن نمی‌گذرد، بلکه حتی از راه دانشی به مهم‌ترین جشنواره سینمای ایران، جشن آثار قدردانه‌ده مثل جاده مرگ، گنجینه گوهر همیشه هم حداقل برای من سوال بوده که چرا سینمایی که جایزه می‌فوزان ز تاریخ سینمای ایران به میان می‌آید، ناخواسته ذهن‌ها به نامه‌های مشهور رجوع پیدا می‌کند. افرادی که قطی چندین دهه عمر خود را صرف خلق آثار هنری سعی در رشد دادن آنها و سینمای ایران کرده‌اند، و متعجبانه به سینمای ایران نهنظر است. اما در این شرایط، علی‌رغم انتقادها، راکاوی‌ها گلستان، سهراب شهید ثالث، ابرح قادری، مسعود کیمیایی، داویدش

خاطرات تلخ و شیرین

کسودیسواگذاری‌وتعزیرذاتقمطالب‌کم‌ترچه‌های‌ساختاری‌عوامل‌سیاسی راجعده‌ماملی هستند که در این سینماگریزگشته‌اند. این‌ها اخیر به سینما شادمان‌ان‌بوده‌ام‌چیزه‌تران‌این‌میراث‌ماندگارمصرف‌نشد.ان‌را‌مسلط‌اند‌از‌دیده‌ها بعددیگرچی‌به‌بام‌سینمای‌ایران‌را‌زن‌آه‌ان‌گنجینه‌های‌تلخ‌چش‌چورکرد.

فیلم‌های منتخب؛۱- بچه‌های آسمان،۲- کتدو،۳- کاشی-۴- شب‌های آسمان،۵- خانه دوست کجاست؟،۶- طعم گیلان،۷- مادروز-۸- شب‌های آسمان،۹- مهاجر،۱۰- دی‌دی‌روز

ما غنی‌تر و زیباتر از آن است که در دو ژانر اجتماعی و کمدی خلاصه شود. فیلم‌های منتخب؛۱- درسه‌الی ۲- در نیای تو ساعت چند است ۳- شاید وقتی دیگر ۴- شب بلند ۵- خانه دوست کجاست ۶- رگ خواب ۷- کاغذ پی‌نوشت ۸- چهارشنبه‌سوری ۹- جهان ما من برقص ۱۰- شب‌های روشن

تنها یک سگرمی نیست بلکه آینده‌ای است که اول قصه‌های جن‌پوری بیرون آمده تصویر بسطت از جامعه که در آن زیست می‌کنیم به ما نشان دهد.

از مشکلات اجتماعی و اقتصادی گرفته تا مسائل فرهنگی و اخلاقی و… همه و همه در این آینهٔ نقاره‌ای به تصویر کشیده می‌شود. گاهی اوقات این تصاویر تلخ و دردناک هستند، اما همین تلخی‌هاست که ما را به فکر وامی‌دارد و به ما کمک می‌کند تا خویش و جامعه خود را بهتر بشناسیم و باید به یاد داشته باشیم، آیندهٔ زیاده و زیشت باک است این تعیین‌خانهٔ ویژه خاک است. هر چند قوت‌زن هاملین برخی از ستاره‌ها این آسنان را یا خود همواره کرده و

تصویری بی‌ساقه‌اش، به قول لوتیس بونیشل اگر بلک واقعی‌اش روی بوده نباید، می‌تواند دنیا را غبر و آتش کند.

فیلم‌های منتخب؛۱- باشو، غریبه کوچک۲- شب‌های روشن۳- بچه‌های آسمان۴- سرخ پوست۵- نفس عمیق ۶- کتدو ۷- طلا و مس ۸- در نیای تو ساعت چند است ۹-۹- دی‌دی‌الیه ۱۰- مرئی شیش‌نیم

حاکم بر آن بود. استادان و پدران سینمای ایران یعنی بهرام بهضایی، علی حاتمی، داویدش مجریوسبی، مسعود کیمیایی و ناصر تقوایی نیز هر کدام به‌عنوان باسواب‌سبکی و تخصص خاص خود، توانستند تصویر ماندگاری از ایران معاصر خلق کنند که اگر امروز حرفی از روز ملی سینما می‌زنیم،

به همین بزرگی از این خاطره مشترک مهرن ان سوزان است. یاد و نام همه بزرگان سینمای ایران، ورجاوند و پاینده یاد.

فیلم‌های منتخب؛۱- باشو، غریبه کوچک ۲- به‌رنگ ازفران ۳- بچه‌های آسمان ۴- جدایی لافر از سینما ۵- روز عرس ۶- خانه دوست کجاست ۷- ماهی و کربه ۸- دیلل ۹- کار ۱۰- مادر

تشکیل دهنده فیلم ازجمله: فیلمنامه، تصویر نور، صحنه، صدا، بازی‌ها، تدوین، موسیقی، و در بالاترین جایگاه خود قرار گرفته تا مجموع آنها، یک شاهکار سینمایی را خلق شده، برای این مخاطب دهد. بنابراین لیست ارائه‌شده در

نظرموضوع قرار داد.فیلم‌های منتخب؛۱- کتدو۲- ناخدا-خورشید۳- سرب۴- طعم گیلان۵- باشو،غریبه‌کوچک۶- گوزن‌ها۷- خیلی دور، خیلی نزدیک۸- شب‌های آسمان۹- جدایی لافر از سینما۱۰- روز عرس۵- خانه دوست کجاست۶- ماهی و کربه ۸- دیلل ۹- کار۱۰- مادر

تشکیل دهنده فیلم ازجمله: فیلمنامه، تصویر نور، صحنه، صدا، بازی‌ها، تدوین، موسیقی، و در بالاترین جایگاه خود قرار گرفته تا مجموع آنها، یک شاهکار سینمایی را خلق شده، بنابراین مخاطب دهد. بنابراین لیست ارائه‌شده در

نظرموضوع قرار داد.فیلم‌های منتخب؛۱- کتدو۲- ناخدا-خورشید۳- سرب۴- طعم گیلان

۵- باشو،غریبه‌کوچک۶- گوزن‌ها۷- خیلی دور، خیلی نزدیک۸- شب‌های آسمان۹- جدایی لافر از سینما۱۰- روز عرس۵- خانه دوست کجاست۶- ماهی و کربه ۸- دیلل ۹- کار۱۰- مادر

درستی پشت تولید این دست آثار نبوده است. حتی از میزان تولید هم نمی‌توان دفاع کرد. به همین دلیل است که باز هم برخلاف دیگر همکاران بیشتر آثار انتخابی من در این لیست بر محوریت خانواده است. و به خصوص اولین انتخاب فیلم «مهمان مادام» که می‌توانم بگویم یکی از بهترین آثار در بازمانده‌ی سینمای ایران در فرهنگ ما ایرانی‌هاست. ستیزان را در نیروم، تربیک زورب سینما احتمالا به درد می‌خورد که در حال حاضر، هم اثر براری کودک و نوجوان داریم

فیلم‌های منتخب؛۱- مهمان مامان ۲- کلاه قرمزی و سرخاله ۳- آژانس شیشه‌ای ۴- لیلی ما من است ۵- مارمولک ۶- بچه‌های آسمان ۷- سرخ پوست ۱۰- در نیای تو ساعت چند است ۱۰- شیدا

منگاری نمی‌شنود.می‌جوادنگلی‌ماندگاری‌ردصندوق‌های‌درست‌نست، هنرمندی‌بازاین‌چرندنتهاست.سینماهیچ‌هنرمندنیکیانگانه‌زیست‌خود هنرمندی‌سینمایی‌می‌سزوداسته‌اش‌بامکیدن‌انسان‌به‌جانش‌درینده‌یادبافت مغزمنفازات‌هوجریوسمیهمان‌مان‌باپیشانی‌باشه‌غریبه‌کوچک‌که‌فکرنمی‌کردبا کتی‌جاولیتی‌سرخ‌پوست‌باوجوه‌اسیدسپاربارشده‌منفازات‌فرهنگی‌دریاه و غایب‌درچیده‌تیزه‌ه‌به‌روغن‌بندگل‌مان‌مان‌هر‌ده‌ای‌زشتی‌قدش‌سقاوه‌ای‌نیروبخوش‌خویش‌هنر‌چرا‌هنرمندان‌ش‌میلی‌هایی‌چند-خون‌مردمی‌تواند‌شده‌است‌آزوی‌ایران‌می‌سینما‌است‌که‌در‌جهان‌شیشایی‌خلق‌هنر‌برای‌کی مصلحت‌های‌داخلی‌و‌منفعت‌های‌فراخی‌فانی‌درآینده‌یادبافت‌کند.فیلم‌های‌منتخب‌و‌شخصی‌لازم‌و‌خندل‌و‌ناخدا‌خورشید۳- باشو،غریبه‌کوچک۴- شیدا۵- مهمان‌مادام۶- شب‌های آسمان۷- درباروالی۱۰-کوب-سرخ‌پوست

است و شاید در فرصت دیگری بتوان از این فیلمسازان و فریاد غریبه کوچک که برای ملت است، به همین دلیل، مهم است که نوشتیم و اجتماعی‌ای در در من نهاده‌یم می‌نمودند. بعدها که بزرگ‌تر می‌دیدیم، و به ویژه آثار محمد علی فردین و سیامک پاشینی و سامولز جانگیس، فریاد گنگ «امیر نادری، پرویز کیمیایی، دکریا خانی، حضرت کریمی، وزیر داویش، رضا مهراری، محمدرضا اصنامی، و آتنا شدم و این مسعود کیمیایی بود که سینما را به جان ما انداخت. چرایی و چگونگی‌اش مفصل

است. شاید به همین دلیل باشد که در بین ۱۰ اثر انتخابی من از ۳ کودک و نوجوان به چشم می‌خورد؛ احتمالا بیشتر از باقی همکارانم در

سینمای کودک و نوجوان آن چینه ناخواسته‌ای است که در جریان پرده‌های سینمای ایران نتنها کسی ن‌ار رگیدن نمی‌گذرد، بلکه حتی از راه دانشی به مهم‌ترین جشنواره سینمای ایران، جشن آثار قدردانه‌ده مثل جاده مرگ، گنجینه گوهر همیشه هم حداقل برای من سوال بوده که چرا سینمایی که جایزه می‌فوزان ز تاریخ سینمای ایران به میان می‌آید، ناخواسته ذهن‌ها به نامه‌های مشهور رجوع پیدا می‌کند. افرادی که قطی چندین دهه عمر خود را صرف خلق آثار هنری سعی در رشد دادن آنها و سینمای ایران کرده‌اند، و متعجبانه به سینمای ایران نهنظر است. اما در این شرایط، علی‌رغم انتقادها، راکاوی‌ها گلستان، سهراب شهید ثالث، ابرح قادری، مسعود کیمیایی، داویدش

است. شاید به همین دلیل باشد که در بین ۱۰ اثر انتخابی من از ۳ کودک و نوجوان به چشم می‌خورد؛ احتمالا بیشتر از باقی همکارانم در

سینمای کودک و نوجوان آن چینه ناخواسته‌ای است که در جریان پرده‌های سینمای ایران نتنها کسی ن‌ار رگیدن نمی‌گذرد، بلکه حتی از راه دانشی به مهم‌ترین جشنواره سینمای ایران، جشن آثار قدردانه‌ده مثل جاده مرگ، گنجینه گوهر همیشه هم حداقل برای من سوال بوده که چرا سینمایی که جایزه می‌فوزان ز تاریخ سینمای ایران به میان می‌آید، ناخواسته ذهن‌ها به نامه‌های مشهور رجوع پیدا می‌کند. افرادی که قطی چندین دهه عمر خود را صرف خلق آثار هنری سعی در رشد دادن آنها و سینمای ایران کرده‌اند، و متعجبانه به سینمای ایران نهنظر است. اما در این شرایط، علی‌رغم انتقادها، راکاوی‌ها گلستان، سهراب شهید ثالث، ابرح قادری، مسعود کیمیایی، داویدش

سینمای ایران نماینده فرهنگ، آداب و رسوم، سبک زندگی و خصوصیات اخلاقی مردمان آن کشور است و با مطالعه هنر هر سرزمینی می‌توان به مزایا

گذر شده پی برد. اولویت بر این بوده که حداقل یک فیلم‌ها انتخاب شده علاوه بر رعایت

فرهنگی اقداماتی مانند حمایت از زبان ملی، ترویج هنر و ادبیات ملی، حفظ آداب و رسوم و آموزش تاریخ و فرهنگ ملی ضروری است. مرفه‌های فرهنگی

به افراد احساس تعاق به یک‌گویی و جامعه می‌دهد. هويت ملی را تقويت می‌کنند. برای تبیین مرفه‌های فرهنگی به اپزری از قبیل زبان، ادبیات، تصویر و تلخ و دردناک هستند. اما همین تلخی‌هاست که ما را به فکر وامی‌دارد و به ما کمک می‌کند تا خویش و جامعه خود را بهتر بشناسیم و باید به یاد داشته باشیم، آیندهٔ زیاده و زیشت باک است این تعیین‌خانهٔ ویژه خاک است. هر چند قوت‌زن هاملین برخی از ستاره‌ها این آسنان را یا خود همواره کرده و

چهارشنبه ۳ شهریور ۱۴۰۳

شماره ۴۲۴

FARHIKHTEGANDAILY.COM

FARHIKHTEGANONLINE

شماره ۴۲۴

FARHIKHTEGANDAILY.COM

FARHIKHTEGANONLINE</